



هنوز مشکلات مرتبط با فیلترینگ حل نشده است

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت با اشاره به اینکه کابینه دولت چهاردهم «عملاً در حین جنگ تشکیل شد»، آغاز به کار این دولت را همراه با حادثه شهادت آفرینی در روز تحلیف رئیس جمهور دانست و افزود: «در چنین شرایطی، دولت با موضوعاتی از جنس ناترازی‌های اقتصادی مواجه شد و صلاح را بر این دید که بدون پنهان کاری، با مردم صادقانه مسیر را توضیح دهد.» درباره موضوع فیلترینگ نیز سخنگوی دولت با بیان اینکه کار کارشناسی تأیید کرده که این اقدام هزینه‌ها را بالا می‌برد، گفت که دولت پیگیر تحقق این وعده است اما «هنوز در برخی سکوها [مشکل] رفع نشده است.» مهاجرانی در مورد راهبرد دولت در مناسبات بین‌المللی، دیپلماسی را یک ظرفیت کلیدی خواند و گفت: «جنگ و مذاکره هر دو ابزار راهبردی هستند که باید در جای خود به کار گرفته شوند.»



اسرائیل التماس کرد

رضا طلایی‌نیک، سخنگوی وزارت دفاع درباره جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل گفت: «دشمن صهیونیستی برای تجزیه ایران، آسیب‌زدن به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و تضعیف قدرت ملی ما این جنگ را به کشورمان تحمیل کرد، اما سرانجام ناکام و ناامیدتر از گذشته، برای توقف جنگ التماس کرد و در نهایت برای نجات خود، همانند گذشته به دولت آمریکا پناه برد.» او یکی از کلیدی‌ترین عوامل شکست دشمن را برآورد نادرست از تبعات جنگ دانست و افزود: «دشمن، آسیب‌های گسترده نظامی، امنیتی، اقتصادی، زیربنایی و سیاسی به خود را در برآورد هایش در جنگ تحمیلی اخیر محاسبه نکرده بود، این محاسبه غلط نه تنها موجب ناکامی او در رسیدن به اهدافش شد، بلکه هزینه‌های سنگینی را برای او رقم زد و ضربات سهمگینی به زیرساخت‌ها و سازوکارهای نظامی رژیم منحوس صهیونیستی وارد شد.»



ریشه بحث استیضاح

مجید نصیرپور، نماینده مجلس یازدهم در گفت‌وگو با ایرنا گفت: «متأسفانه آنچه این روزها اتفاق می‌افتد و توهین‌ها و تخریب‌هایی که صورت می‌گیرد، فراتر از یک رقابت سیاسی بین دو جریان سیاسی است برخی‌ها در شرایط جنگی هم رئیس جمهور و دولت را بی‌محایا مورد حمله قرار می‌دهند و برای رسیدن به اهدافشان از هیچ کاری فروگذار نمی‌کنند.» او همچنین گفت: «متأسفانه ما شاهدیم برخی افراد با کوچکترین بهانه و کمترین اطلاع از واقعیات صحبت‌هایی مطرح می‌کنند و از استیضاح رئیس جمهور سخن می‌گویند، من نگرانم این موضوع ریشه در بیرون کشور داشته باشد. همان‌طور که رهبر انقلاب بارها تأکید کرده‌اند باید مراقب نفوذ باشیم. ما باید مراقب افرادی باشیم که متأسفانه برخلاف مصالح کشور و توصیه‌های رهبری اقداماتی را انجام می‌دهند. اینها هزینه‌های زیادی برای مدیریت کشور ایجاد می‌کنند. دستگاه‌های مسئول باید رسیدگی کنند که این عده قلیل چرا دست به این اقدامات می‌زنند و چرا می‌خواهند به انسجام ملی آسیب بزنند اگر بر خود را این افراد رخ دهد دیگر به خود اجازه نمی‌دهند که این گونه برخورد کنند.»

نگاه سیاستمدار



عکس: آرش خاموشی، هم‌میهن

بهزاد نبوی فعال سیاسی اصلاح طلب:

هم نفوذ امنیتی داریم هم نفوذ سیاسی



سمیه متقی
دبیر گروه سیاست

دولت مسعود پزشکیان تازه به یک سالگی اش رسیده است و کوله بار تجربه او در این مدت همراه با جنگ، ناترازی‌ها، وضعیت بد اقتصادی و نارضایتی‌ها است. در کنار آن در همین روزهای یک سالگی دعوا بر سر مذاکره کردن یا نکردن با آمریکا و اروپایی‌ها و کفایت و عدم کفایت پزشکیان برای ماندن در رأس قوه مجریه و سمت رئیس جمهور بخش قابل توجهی از اظهارنظرها و اخبار سیاست داخلی را به خود اختصاص داد و این سوال از سوی تندروهای داخلی و خارجی ضد دولت او از آنهایی که به او رای دادند به کرات پرسیده می‌شود که آیا از رساندن پزشکیان بر مسند ریاست جمهوری پشیمان نیستید؟ درباره وضعیت کشور با توجه به تجربه جنگ ۱۲ روزه و عملکرد دولت گفت‌وگویی با بهزاد نبوی، از چهره‌های شاخص اصلاح طلب و مدیران دولتی در دوران جنگ داشتیم. از او درباره تجربیاتی که از آن دوران می‌شود برای امروز کشور بهره برد و دغدغه‌های سیاسی امروز پرسیدیم که در ادامه می‌آید.

دست بگیرند و به آن ۴۰ نفر فرصت نشو و نما ندهند اما متأسفانه مورد توجه قرار نگرفت و عملاً موجب شد که اصولگرایان معتدل و میانه‌رو در بخش‌هایی با آن ۴۰ نفر به نوعی ائتلاف انجام دادند که آن جمعیت پایداری کنترل مجلس را در دست بگیرند. در حالی که این فراکسیون سوم (اصولگرایان میانه‌رو و اصلاح‌طلبان فراکسیون امید) اگر تشکیل می‌شد کنترل مجلس دست آنها نمی‌افتاد و آنها قدرت بیشتر پیدا نمی‌کردند که در مجالس بعدی حضور قدرتمندتری پیدا کنند.

حالا درباره سوال اول شما، منتها من از رای دادن به آقای دکتر پزشکیان پشیمان نیستم بلکه الان راضی‌تر هستم. در این مدت، مواردی بود که تصور نمی‌کردم در زمان ایشان قابلیت اجرا پیدا کند؛ از جمله شروع مذاکره با آمریکا و ادامه مذاکرات با اروپا که البته ظاهراً تحت فشارهایی که بر سیاست خارجی ما وجود دارد هنوز به نتیجه قطعی نرسیده‌اند. اما همین شروع این مذاکرات، کار بسیار مهمی بود و بالاخره در دوره آقای پزشکیان انجام شده است. در این بین «عدم ابلاغ لایحه حجاب» که ایشان گفت و انجام داد و حرکتی که در فیلترینگ انجام شد هم از این موارد است. این را باید بگویم که دلیل اصلی انجام چنین مواردی این بود که آقای پزشکیان توانست اعتماد و حمایت رهبری را جلب کند و اگر رهبری موافقت نمی‌کرده مذاکره با آمریکا انجام می‌شد و نه لایحه حجاب متوقف می‌شد و نه همین میزان از رفع فیلتر اپلیکیشن‌ها به نتیجه می‌رسید. اینها همه محصول تعامل مثبتی بود که آقای دکتر پزشکیان توانست با رهبری داشته باشد.

یعنی آن وفای که او دولتش را با آن معرفی کرد، حداقل در رابطه با «وفای با بالا» محقق شده است؟

بله، آقای پزشکیان نام و رویکرد اعلامی دولتش «وفای» بود. من با بعضی از عزیزان سران قوا که دیدار داشتم به آنها گفتم که سنبل این وفای ملی که ایشان شعارش را داده است؛ روابط سران سه قوه است. در این مدت، سران قوا روابط بسیار خوبی داشتند. در این جلساتی که به آن اشاره کردم؛ من این موضوع را تحلیل، پیش‌بینی و بیان کردم و آنها هم معتقد به آن (روابط خوب سران قوا) بودند. موضوع دیگر اینکه، حُسن کار آقای پزشکیان این بود که قولی به کسی نداد و نگفته بود این کار یا این کار را می‌کنم، بلکه گفته بود تلاش می‌کنم. بنابراین از نگاه من آقای دکتر پزشکیان در این مرحله روسیاه نبوده است. ممکن است نتایج خیلی درخشانی نگرفته باشد اما روسیاه نبوده است.

شما به مذاکره به عنوان نقطه مثبت عملکرد ایشان اشاره کردید اما همین حالا یکی از مواردی که با آن به دولت حمله می‌کنند همین مذاکره است، مثلاً «شما اعتماد کردید و رفتید پای میز مذاکره و همان وقت جنگ شد.» این یعنی شما را فریب دادند. این هماهنگی که مطرح می‌کنید واقعاً از بالا بوده و این تئوری‌هایی که دم‌از «دوب در ولایت» بودن می‌زنند، در اینجا چه نقشی دارند و واقعاً دارند مخالف نظر و بدون هماهنگی این فضا سازی را می‌کنند؟

اینکه با هماهنگی یا بدون هماهنگی این اظهارنظرها صورت می‌گیرد را نمی‌دانم اما آنچه مسلم است اینکه آقای پزشکیان کارهایش را با

هماهنگی انجام داده است؛ حتی به یاد داریم که ایشان آمد در مجلس و گفت که «من نظرم مذاکره با آمریکاست، رهبری مخالف بود» و تمام. در این شرایط آقای پزشکیان دیگر ادامه نداد. پس علی‌القاعده باید رهبری اعلام موافقت کرده باشد که دولت توانسته باشد مذاکره را شروع کند. اینکه گفته می‌شود جمهوری اسلامی در مذاکرات گول خورده است، چنین چیزی درست نیست. این را در نظر داشته باشید، مذاکره با کسی انجام می‌گرفت که اصلاً قابل پیش‌بینی نبود، درباره آقای ترامپ کسی نمی‌تواند حتی پیش‌بینی کند فردا چه موضعی دارد. بنابراین ایشان مذاکره کرد و تا ۵ دوره خوب پیش رفت، دور ششم هم قرارش گذاشته شد ولی با حمله اسرائیل به ایران بر خورد کرد. اینکه این حمله با چراغ سبز و توافق با آمریکا بوده یا آمریکا را در برابر عمل انجام‌شده قرار داده است؛ اینها را نمی‌دانم به هر حال این نفی مذاکره نیست. مذاکره خوب بود و الان هم به نظرم باید مذاکره با آمریکا و مذاکره با اروپا ادامه پیدا کند. جلوی مکانیزم ماشه باید با مذاکرات گرفته شود. به نظر من جمهوری اسلامی باید تعلیق داوطلبانه غنی‌سازی را بپذیرد. این جریان‌ها مخالف هم بودند که این تعلیق با تعطیل فرق دارد. ضمن اینکه من با تعطیل آن هم موافقم. چنانچه من با شروع هم مخالف بودم ولی آنچه الان گفته می‌شود و تعلیق را به میان آوردند با تعطیل فرق دارد. تعلیق برای دفع شر مقدر است نه برای اینکه کلاً غنی‌سازی را تعطیل کنند. البته بار دیگر می‌گویم من طرفدار تعطیل غنی‌سازی اورانیوم بودم و آن را در راستای منافع ملی می‌دانستم و می‌دانم.

پس شما با بیانیه جبهه اصلاحات ایران که از همین زاویه مورد نقد تندروها قرار گرفته است، موافقت می‌کنید؟

من مشروط با بیانیه جبهه اصلاحات موافق بودم. اتفاقاً من عکس اینکه مخالفان می‌گویند با آن بخش‌ها (یعنی بخش‌های سیاست خارجی) مخالف نبودم. بلکه من با طرح مسائل مربوط به داخل در بیانیه‌ای که مربوط به سیاست خارجی بود موافق نبودم. جای آن اینجا نبود. یعنی من معتقد بودم در این بیانیه مانیا بیستی دوتا مسئله را با هم مخلوط کنیم و هر کدام جای جدای خود را داشت. جبهه اصلاحات بیانیه‌های مختلفی را درباره مسائل داخلی و رفع حصر و آزادی زندانیان سیاسی داده بود. از این جهت من با کلیت بیانیه موافق نبودم نه به دلیل مخالفت با بخش سیاست خارجی بلکه اتفاقاً با آن کاملاً همراه و موافق بودم. ضمن اینکه جبهه اصلاحات خیلی در این موارد (بخش سیاست داخلی مطرح‌شده در بیانیه) تلاش می‌کند. چنانچه من دو ملاقات با سران سه قوه داشتم و در مورد رفع حصر، آزادی زندانیان سیاسی، عفو عمومی دادن به ایرانیان خارج از کشور و سایر موارد نظرات جبهه را به آنها منتقل کردم.

شما از هماهنگی آقای پزشکیان با رهبری در مذاکرات گفتید اما در همین راستا طیف جبهه پایداری و جریان‌های نزدیک شریان از طرح عدم کفایت رئیس جمهور سخن گفته‌اند...

نمی‌دانم این قضیه چیست و بعید هم می‌دانم در همین مجلس هم بتواند طرح عدم کفایت رئیس جمهوری رای بیاورد. چون بعید است اکثریت داشته باشد.

یکی از مهمترین دغدغه‌های دولت وضعیت اقتصادی کشور است که تاکنون به تغییر یک وزیر اقتصاد نیز منجر شده است. به نظر شما دولت با توجه به همه محدودیت‌هایی که داشته عملکردش چگونه بود؟ به نظرتان آیا مسیرهای بهبود وضعیتی در اختیار دولت بود که از آن استفاده نکرده است؟

من همیشه در این زمینه موضوع تجدیدنظر در سیاست خارجی و ضرورت شروع مذاکره را گفته‌ام. چنانچه اعتقاد دارم مهمترین مشکل امروز کشور مشکل اقتصاد و معیشت است. از قبل از آقای پزشکیان تا همین امروز اقتصاد و معیشت مهمترین مشکل بوده و هست و حل مشکل معیشت و اقتصاد در گرو تجدیدنظر در سیاست خارجی است. تا وقتی که ما در سیاست خارجی نتوانیم تجدیدنظر کلی و اساسی انجام دهیم، مشکل اقتصاد و معیشت مردم را نخواهیم توانست حل کنیم. اینکه تصور کنیم حل مشکل اقتصاد و معیشت فرمول‌های خاص و ویژه‌ای دارد که ما باید آنها را کشف بکنیم، چنین نیست. بنابر آنچه من در فضای مجازی خواندم، ما کلی نفت روی دریا داریم که نمی‌توانیم آن را بفروشیم (نمی‌دانم خبر درست است یا خیر) ولی واقعیت این است که دوستان داخل می‌گویند وضع از آن چیزی که فکر می‌کنیم خراب‌تر است. بر همین اساس هم می‌گویند مکانیزم ماشه مشکلی ایجاد نمی‌کند. آنچه باید به آنها گفت: این است که اینگونه نیست و فعال شدن مکانیزم ماشه وضعیت را بدتر می‌کند و تهاجم به ایران را مشروعیت می‌بخشد. فعال سازی مکانیزم ماشه ما را ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد برمی‌گرداند و می‌تواند حمله به ایران را مشروعیت جهانی ببخشد. بحث دیگر هم این است که تأثیر آن بر اقتصاد قطعی است، حتی شنیده‌ام برخی مسئولان هم گفته‌اند مکانیزم ماشه اثر اقتصادی ندارد و تأثیر سیاسی دارد. به نظر می‌رسد این‌ها تصور می‌کنند از لحاظ اقتصادی آب از سرمان گذشته است اما این درست نیست. اگر ذیل فصل هفتم بازگردیم همین اثر سیاسی تأثیرات اقتصادی بزرگتری در کشور ما خواهد داشت. مثلاً همین میزان فروش نفت فعلی نیز در پی فعال شدن مکانیزم ماشه مختل می‌شود و خیلی مشکلات دیگر برآیمان ایجاد می‌شود. بنابراین برای حل مشکلات اقتصاد و معیشت که خواست اکثریت قریب به اتفاق مردم است، ضروری است تجدیدنظر اساسی در سیاست خارجی انجام گیرد. این تجدیدنظر هم در چارچوب مذاکره حل می‌شود. اینکه به جبهه اصلاحات حمله می‌کنند که گفته است: «تعلیق غنی‌سازی در ازای رفع تحریم‌ها» اشتباه است. این پیشنهاد خوبی است و معنی آن هم این نیست که بگویم دست‌های بالا غنی‌سازی را کنار گذاشتیم. مفهومش این است که: «مذاکره می‌کنیم برای آنکه آنها تحریم‌ها را بردارند و در کنارش غنی‌سازی را تعلیق می‌کنیم.» این چیز خاصی نیست، به هر حال حل مشکلات اقتصاد و معیشت در گرو تجدیدنظر اساسی در سیاست خارجی است.

نقش مدیریت در داخل و مدیران حوزه اقتصادی و سیاست